

مقایسه توزیع درآمد بین روستائیان و افراد ایلیات شاهسون درمغان

از . مجید کوپاهی

استادیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران

تاریخ وصول سی ام مردادماه ۱۳۵۶

خلاصه

در این مطالعه در آمد سرانه و توزیع آن بین گروهی از خانوار های ایلیات شاهسون با خانوار های روستائیان ساکن مغان بررسی شد . در آمد متوسط سرانه اعضای خانوار های روستائی در حدود شش هزار ریال در سال برآورد گردید . در آمد متوسط افراد ایلیات شاهسون در حدود ده درصد کمتر از درآمد متوسط سرانه زارعین بود . علاوه بر کمی در آمد سرانه افراد شاهسون در مقایسه با زارعین ، توزیع درآمد بین این افراد هم نامتعادل تر از توزیع درآمد بین زارعین بود . استمرار این روند سبب می شود که فشار بیشتری به افراد کم درآمد ایلیات وارد بشود و اجباراً " دست از زندگی سنتی خود بکشند و به شهر ها مهاجرت بکنند ، ولی بعلت فقدان آمادگی قبلی برای زندگی در شهر ها با مشکلات زیادی روبرو می گردند . از طرف دیگر چون قسمت اعظم گوشت گوسفندی ایران بوسیله ایلیات تولید می شود با مهاجرت ایلیات به شهر ها تولید آن کاهش بیشتری می یابد .

مقدمه

تعدادی از اقتصاددانان عقیده دارند که برای توسعه اقتصادی وجود اختلاف درآمد بین مردم ضروری است، چون درآمد بیشتر افراد با مشاغل ضروری تر برای توسعه اقتصادی کشور باعث می شود که ثروت آن افراد زیادتر شود و بتوانند دو مرتبه در کسب خود سرمایه گذاری کنند و این امر سبب تسریع توسعه اقتصادی می شود. همچنین امکان کسب درآمد بیشتر سبب کشش افراد با استعدادتر باین مشاغل می شود که باز به توسعه اقتصادی کشور کمک می کند.

از طرف دیگر، سایر اقتصاددانان افزایش عدم تعادل توزیع درآمد را یک امر غیر انسانی می شمارند و آنرا لازمه توسعه اقتصادی نیز نمی دانند. نتایج مطالعات انجام شده نشان می دهند که در ایران در سال های اخیر توزیع درآمد بین لایه های مختلف درآمدی نامتعادل تر شده است.

مثلاً " در گزارش آمایش سرزمین، که توسط سازمان برنامه منتشر شده است، با استفاده از آمار بانک مرکزی ایران نتیجه گیری شده است که ده درصد از خانوارهای شهری در سال ۱۳۵۱ با بیشترین درآمد، چهل درصد کل مصصرف شهرنشینان را به خود اختصاص دادند، در حالیکه همین قشر از خانوارها در سال ۱۳۴۸ فقط ۳۸ درصد مصرف کل شهرنشینان را داشته اند. [۳]

نتایج این مطالعات نشان می دهد که نه تنها فاصله متوسط درآمد فقیرترین و غنی ترین لایه های درآمدی از هم بیشتر می شود، بلکه اختلاف درآمد بین ساکنین استانها و نواحی جغرافیائی هم شدیدتر می گردد. مثلاً " در گزارش فوق الذکر آمده است که در سال (۵۵) نسبت سطح زندگی بعضی از استان های کشور یک بر ده بوده است. در این بین اختلاف درآمد شهرنشینان و روستائیان تشدید می یابد. مثلاً " در گزارش سازمان جهانی کار در مورد ایران چنین آمده است، " مقایسه ای از درآمد نواحی شهری و روستائی نشان می دهد که نه تنها درآمد روستائیان خیلی کمتر از شهرنشینان است، بلکه اختلاف آنها در طی دهه ۱۹۶۰ زیادتر شده است، نسبت درآمد شهرنشینان به روستائیان بر طبق برآورد سازمان برنامه از نسبت $\frac{4}{6}$ در سال ۱۹۵۹ به $\frac{5}{7}$ در سال ۱۹۶۹ رسیده است. " [۱]

در اغلب مطالعاتی که در ایران در این زمینه انجام

شده است توزیع درآمد بین ساکنین نواحی و بخش های مختلف کشور مورد مطالعه قرار گرفته است ولی درآمد افراد بخش مهمی از مردم کشور، یعنی ایلیات و عشایر مورد نظر نبوده است. هدف این مطالعه پر کردن این خلاء است. برای این منظور درآمد و توزیع آن بین افراد ایلیات شاهسون و روستائیان ساکن ناحیه مغان که در مجاورت هم زندگی می کنند با هم مقایسه گردید. قبلاً " باید یادآوری کرد که چون این مطالعه فقط در یک مقطع زمانی انجام شده است لذا نتایج حاصل از آن به تنهایی نمی تواند تغییرات توزیع درآمدی دو گروه مورد نظر را نشان دهد ولی دست کم اساسی را فراهم می آورد که با کمک نتایج مطالعات مشابهی در آینده بتوان این تغییرات را برآورد کرد. آمار

همانطوری که ذکر شد در این مطالعه توزیع درآمد روستائیان و ایلیات شاهسون ناحیه مغان مورد مطالعه قرار گرفت. مغان در شمال غربی ایران در استان آذربایجان شرقی واقع است. این دشت برای زراعت و دامپروری بسیار مساعد است. از محصولات عمده آن پنبه و گندم است. علت انتخاب مغان جهت این بررسی وجود چهار نوع مختلف زراعت و در نتیجه چهار نوع زارعین مختلف در این دشت است (۱) زارعین خرده مالک (۲) افراد ایلیات شاهسون (۳) سهامداران شرکت سهامی زراعی و (۴) کارگران یک شرکت زراعی عظیم کشت و صنعت دولتی، متأسفانه آمار مربوط به بخش های (۳) و (۴) برای این مطالعه قابل استفاده نبود و در نتیجه فقط درآمد زارعین سنتی و افراد ایلیات شاهسون مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. زمان مطالعه

آمار این مطالعه در اواخر تابستان و پاییز سال ۱۳۵۴ جمع آوری شد. این آمار مربوط به سال زراعی ۵۴ - ۱۳۵۳ می باشد.

روش مطالعه

در این مطالعه از روش آمارگیری نمونه ای دو مرحله ای استفاده شد که در زیر طرز جمع آوری آمار به تفکیک برای هر یک از دو گروه شرح داده می شود.

۱ - روستائیان

کلاً ۴۹ روستا بطور تصادفی انتخاب شد که جدول زیر توزیع آنها را بر حسب تعداد خانوار نشان می دهد:

جدول ۱ - توزیع دهات نمونه بر حسب تعداد خانوار

تعداد خانوار	تعداد روستا	درصد روستاهای این گروه نسبت به کل نمونه
۰ - ۱۰	۴	۸/۱۶
۱۱ - ۲۵	۱۰	۲۰/۴۱
۲۶ - ۵۰	۱۷	۳۴/۶۹
۵۱ - ۱۰۰	۱۴	۲۸/۵۷
۱۰۱ - ۱۵۰	۲	۴/۰۸
بیشتر از ۱۵۰ خانوار	۲	۴/۰۸

خود را به رشته کوه های سبلان می برند . بعضی از آنها زراعت های کوچک گندم و جو هم دارند ولی برای تهیه مواد خوارکی به زارعین متکی هستند .

محل هایی را که شاهسون ها در دشت مغان زندگی می کنند به اسم " قشلاق " می گویند . کلا " در دشت مغان ۴۷۶ قشلاق وجود داشت هر قشلاق بطور متوسط ۷/۲۷ خانوار داشت . در مرحله اول ۵۹ قشلاق بطور نمونه انتخاب و از هر قشلاقی در مرحله دوم یک خانوار بطور تصادفی انتخاب گردید . خانوارهای انتخاب شده شامل ۵۴۰ نفر (۳۰۱ نفر مرد و ۲۳۹ نفر زن) بود که از این رو بعد متوسط آنها ۹/۱۵ نفر می شود . انواع و تعداد دام ها و طیور خانوارهای نمونه به ترتیب جدول ۲ بود .

جمع آوری آمار

بعد از انتخاب خانوار های نمونه پرسشنامه مخصوصی که قبلا تهیه شده بود از هر یک از آنها با انجام مصاحبه بارتیس خانوار تکمیل گردید . این پرسشنامه شامل سئوالات زیادی در زمینه های اقتصادی - اجتماعی بود ولی اطلاعاتی که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت مربوط به افراد خانوار و درآمد آنها بود . منابع درآمد

منابع درآمد شامل بخش زراعی و غیر زراعی بود ، خود بخش زراعی شامل زراعت و دامپروری بود (در مغان اهمیت باغداری خیلی ناچیز است) . بعلاوه فعالیت های گسترده شرکت های سهامی زراعی و شرکت " کشت و صنعت مغان " افرادی که مایل بودند امکان زیادی برای کسب اشتغال در خارج از مزرعه شخصی خود داشتند و لذا درآمد حاصل از این بخش قابل ملاحظه بود .

جمعیت روستاهای انتخاب شده ۲۲۷۸۸ نفر بود که بر طبق آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۴۵ جمعیت این روستاها ۱۵۰۲۸ نفر بوده است لذا نرخ رشد جمعیت آن ها طی این دوره برابر ۴/۶ درصد در سال برآورد گردید . تعداد خانوارهای این روستاها ۳۲۰۰ بود که در مرحله دوم مطالعه از بین آنها ۲۰۱ خانوار بطور تصادفی انتخاب گردید . خانوارهای انتخاب شده در مجموع شامل ۸۰۹ نفر مرد و ۶۶۴ نفر زن بود (کلا " ۱۴۷۳ نفر) و بعد متوسط آن ها برابر ۷/۳۳ نفر بر خانوار بود از بین افراد خانوار های انتخاب شده ۴۸/۵ درصد پائین تر از ۱۵ ساله و ۵/۴۳ درصد بالاتر از ۶۰ ساله بودند . سرپرست همه خانوارهای انتخاب شده زارع بودند ولی این گفته بدان معنی نیست که غیر از زراعت حرفه دیگری نداشته باشند .

زراعت عمده این روستائیان گندم بود که ۵۶ درصد زمین های زیرکشت آنها را به خود اختصاص داده بود ولی فقط $\frac{1}{4}$ آن آبی و بقیه بصورت دیم بود . بعد از گندم ، جو مهمترین زراعت را تشکیل می داد که ۳۰/۵۳ درصد زمین های زیرکشت آنها را شامل بود که باز فقط $\frac{1}{4}$ آن بصورت آبی بود . از زراعت های دیگر ، پنبه (۶/۵ درصد) - حبوبات (۲ درصد) و یونجه (یک درصد) را می توان نام برد . این خانوارها علاوه بر زراعت ، دام داری هم داشتند که دام های آن ها شامل گاو (۱۴۶ رأس نر - و ۳۸۳ رأس ماده) و گوسفند (۸۴۲ رأس نر و ۳۲۳۰ رأس ماده) و بز (۸۸ رأس نر و ۳۴۳ رأس ماده) بود .

۲ - شاهسون ها

شاهسون ها که گوسفند دار هستند قشلاق شان در دشت مغان می باشد و در تابستان برای تهیه چراگاه گوسفندان

جدول ۲ - انواع و تعداد دامها و طیور خانوارهای نمونه شامسون

نوع دام و طیور	گوسفند (رأس)	گاو (رأس)	بز (رأس)	شتر (رأس)	اسب (رأس)	الاغ (رأس)	طیور (قطعه)
تعداد دام و طیور	۷۶۳۳	۴۳	۸۵۰	۱۹۲	۴۹	۲۰	۱۶۰

طرز محاسبه درآمد خانوارها

نتایج:

۱ - درآمد متوسط سرانه اعضای خانوارهای روستائی در حدود شش هزار ریال در سال برآورد گردید. در آمد متوسط افراد شامسون در حدود ده درصد کمتر از درآمد متوسط افراد زارع بود.

۲ - با مقایسه منحنی های لورنس (تصویر ۱) ملاحظه می گردد که توزیع درآمد بین خانوار های شامسون آریب تر از خانوارهای زارعین می باشد و لذا فاصله درآمد لایه های مختلف درآمدی بین شامسون ها بیشتر بود.

این وضع باعث می شود که تعداد زیادی از افراد کم درآمد ایلیات اجباراً " دست از زندگی سنتی خود کشیده به شهر ها هجوم آورند که این امر سبب پیش آمدن دو مسأله عمده اجتماعی اقتصادی می گردد:

۱ - چون افراد ایلیات کمتر به زندگی شهری آمادگی دارند معمولاً مشکلاتشان بیشتر از سایر مهاجرین به شهر ها است.

۲ - ایلیات تولید کننده عمده گوشت گوسفند در ایران هستند ولی مهاجرت آنها به شهر ها سبب کاهش تولید این نوع گوشت (که در حدود دو سوم تمام گوشت قرمز مصرفی ایرانیان را تشکیل می دهد) می شود. در نتیجه کمبود عرضه گوشت نسبت به تقاضای آن روز به روز بیشتر احساس می گردد.

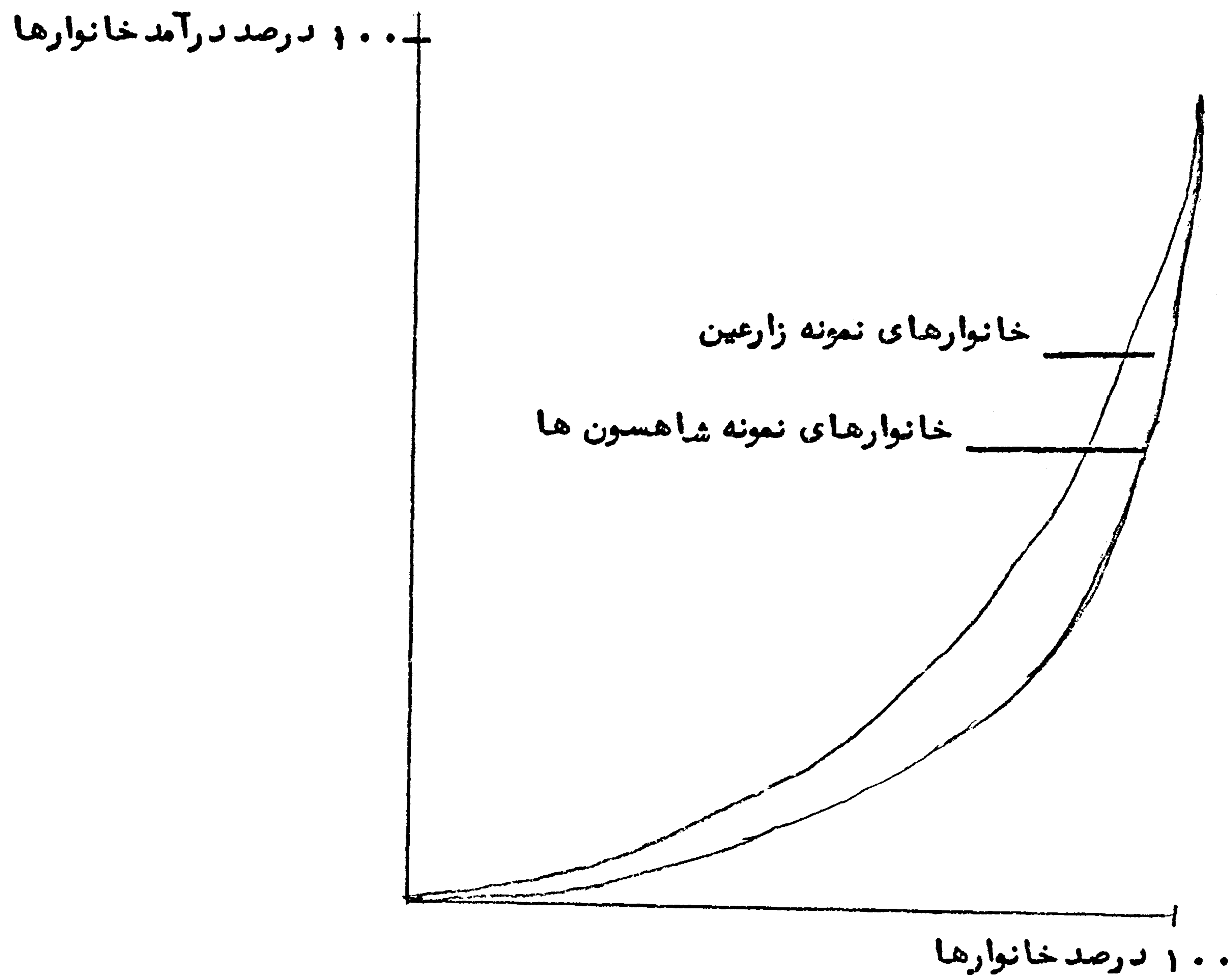
ارزش کل محصولات تولید شده (چه فروخته شده و چه مصرف شده بوسیله خانوار زارع) بعنوان درآمد ناخالص زراعی در نظر گرفته شد. همه هزینه های که خانوار برای تولید محصول خود در طی سال پرداخته بود بعنوان هزینه های جاری تولید منظور شد (سایر هزینه های تولیدی، مثل ارزش کار خانوار زارع یا کار دام شخصی و اجاره زمینی که متعلق به خانوار زارع بود و امثال آن ها منظور نشد). اختلاف درآمد ناخالص زراعی با هزینه های جاری تولید بعنوان درآمد زراعی منظور گردید. البته این درآمد در واقع برگشت به کار سرمایه مدیریت خود زارع و خانوار وی می باشد.

به درآمد زراعی زارع درآمدهای حاصل از کار کردن در خارج از مزرعه خانوار، چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعتی (راه سازی و ساختمان و غیره) اضافه شد و حاصل بعنوان " درآمد کل " خانوار زارع در نظر گرفته شد.

مقایسه توزیع درآمد بین خانوار های زارع و ایلیات شامسون برای این منظور از منحنی لورنس استفاده گردید.

به این ترتیب که خانوار های نمونه به ترتیب میزان درآمد بصورت درصد های ترکیبی (یعنی ده درصد - بیست درصد - صد و صد در صد) بر روی محور افقی و درآمد آنها بر روی محور عمودی نشان داده شد. (مثلاً " درآمد ده درصد از خانوار های نمونه با کمترین درآمد چند درصد از درآمد کل خانوار ها را تشکیل می دهد و الی الاخره) روشن است که اگر توزیع درآمد بین افراد نمونه کاملاً " یکنواخت باشد (مثلاً " ده درصد خانوار ها ده درصد کل درآمد و بیست درصد خانوار ها بیست درصد کل درآمد را بدست آورند) نتیجه بصورت خطی با شیب مثبت و ۴۵ درجه خواهد بود که از مبدا مختصات شروع می شود، در غیر این صورت یک منحنی حاصل خواهد شد که تحدب آن میزان آریبی توزیع درآمد را نشان می دهد.

تصویر ۱ - منحنی های لورنس برای خانوارهای نمونه زارعین و شاهسون ها



REFERENCES

منابع مورد استفاده

1. International Labor Office, 1973, Employment And Income Policies For Iran, Geneva (Switzerland).
2. H. Pesaran, 1974, Income Distribution In Rural And Urban Iran, Central Bank Of Iran.
3. Imperial Government of Iran, Plan & Budget Organization, may 1976., National Spatial Strategy Plan, Center For National Spatial Planning, First Stage Final report.